هلال ثبوتی فی علم الله تعالی و هلال عرفی

شاگرد: دیروز فرمودید برای اینکه پارادوکس خرمن پیش نیاید، جزء لایتجزای نور درست میشود. قبلاً در هلال فرموده بودید رؤیت ناظر زمینی به نحو تقیدی اخذ میشود. اگر به این نحو اخذ شود، گویا در بیانیی هم باید یک جزء لایتجزی هم مطرح شود که آن مالک اصلی شود. چون ممکن است یک جزء لایتجزایی از نور باشد که اساساً بر آن دیدن صدق نکند.

استاد: ما در استظهار از ادله شرعیه بودیم؛ بهخصوص سر فهم معنای لغوی یا عرفی هلال؛ «اهل الهلال»، وقتی در اینجا سر و کار ما لغت است، کاری به «فی علم الله تعالی» بودن آن نداریم. لذا عرض کردم برای اینکه «اهلّ» عرفی رخ دهد و هلال صدق کند، باید جزء لایتجزای رؤیت ما، قید کار باشد. اما بحث دیروز سر فی علم الله تعالی بود. یعنی خدای متعال میداند که الآن اهالل هلال شده و ماه شروع شده. موضوع ثبوتی را عرض کردم. یعنی آن چه که خدای متعال به آن علم دارد و میگویید وقتی این شد ماه مبارک شروع شده و من بربندگانم صوم شهر مبارک را واجب کردهام. پس اهالل هلال فی علم الله، و شروع ماه مبارک فی علم الله، تکوینی شد. این موضوعی تکوینی است. حکم آن چیست؟ «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»[1]، آن شهری که در شهر بودنش نیازی به یک اعتبار شرعی نداریم؛ «الشهر». فی علم الله اهالل هلال میشود و با آن شهر هم شروع میشود. خُب وقتی «الشهر» تکوینی بود و موضوع تکوینی است، «فلیصمه»؛ حکم وجوب صوم برای آن میآید.

شاگرد: ما حصل فرمایش شما این شد که در مسمی، تقیدی نیست؟ وقتی میگوییم هلال نزد خداوند، یعنی در مسمی تقیدی نیست.

استاد: بله، یعنی اگر ما فی علم الله تعالی ببریم، نمیتوانیم رؤیت عباد او را شرط علم او بگیریم. ولو محال نیست.

شاگرد: این احتمال هست چون شارع دارد الفاظش را به عرف القاء میکند و بعد مسمای هلال چون بین خودشان بوده، تقیدی به رؤیت در موضوع له آن دخیل شده است.

استاد: حالا شما فرمودید باید دوباره نگاه کنم. الآن در خود ذهن من تقیدی به این معنا با آن چیزی که در ذهن من است جور در نمیآید. چون تقیدی هم انواعی دارد. شما تازگی نگاه کردهایی یا از حافظه میگویید؟

شاگرد: از حافظه میگویم.

استاد: انشاءالله نگاه میکنم تا ببینم در کجا این فرمایش شما گفتهام و تقیدی به چه معنا است.

مرحوم وحید به‌بهانی داشتند که الفاظ برای مسمیات وضع می‌شود. مطلب درستی بود و سائر علماء هم فرموده بودند. نه برای مسمیات معلومه، نه برای مسمیات مرئیه. وحید این را فرمودند. مطلب درستی هم هست. آن جا بحث کردیم که بعضی از واژه‌ها هست که دیده شدن قوام مفهوم آن است. مثال‌هایش را عرض کردم.

شاگرد: مثل جمال و زیبایی.

استاد: بله، مثال‌هایی را عرض کردم که قوامش دیدن بود. در این مثال‌ها نمی‌توان گفت برای مسمیات بدون قید وضع شده‌اند. اما آیا هلال هم به همین صورت بود؟! در آن جا بحث کردیم. الآن هم به ذهنم می‌آید که در «اله‌لال» نخوابیده یعنی «آن چه که می‌بینند»؛ «دیدن» قیدش باشد. درست است وقتی هلال است، آن را می‌بینند، آن کاشف از آن است. و الا «اله‌لال» یعنی خودش. بشر هم نبود ما «اله‌لال» داشتیم. در ره ماه کره زمینی برای خودش هلال دارد، ولو فرض اگر قاطنین باشند آن را می‌دیدند؛ ولو نبودند. ولی همان زمان هم «اله‌لال» داشتیم. یعنی یک چیزی داشتیم که صدق هلال بر آن مصداق، مقومش دیدن بشر نبوده.

شاگرد: منظورتان از «لو فرض» همان است؟ مقصود من هم همین «لو فرض» است.

استاد: خُب آن برای درجه تلألؤ آن است. ما می‌گوییم تلألؤ یک طیفی تشکیل می‌دهد، مثلاً پنج درجه؛ می‌گوییم هلال چه زمانی است؟ تلألؤ چهار درجه، و اگر بشر هم باشد آن را می‌بیند. این قید نمی‌شود.

شاگرد: پس تقید به این نحو دارد که ممکن است یک تلألؤای ممکن است باشد که اگر موجوداتی غیر از بشر بودند به اندازه قوس نود درجه هلال را می‌دیدند اما اگر برفرض بشر باشد این مقدار تلألؤ را نمی دیدند. این هلال هست یا نیست؟

استاد: هیچ منافاتی ندارد که فی علم الله تعالی ماه شروع شده باشد.

شاگرد: پس می‌فرمایید مسمی آن نیست؟

استاد: بله، اگر شما فرض بگیری حیواناتی هستند مثل تلکسوپ می‌بینند؛ روی این فرض مبانی عرض می‌کنم؛ مبانی مخلوط نشود. شما الآن می‌توانی مغز یک حیوانی را مانیتور کنی. ظاهراً در خبرها آمده بود که الآن یک هوش مصنوعی از ام آر آی (mri) که از افراد گرفته‌اند، دماغ او را تحلیل می‌کند و می‌فهمد که چه چیزی دیده است. به زرافه مثال زده بود. ولو تصویر زرافه به او نداده باشی، اما آن دماغی که دارد تحلیل می‌کند که زرافه دیده، هوش مصنوعی هم زرافه را نشان می‌دهد. می‌گوید زرافه به این صورت است. یعنی اصلاً اطلاعات زرافه را به او نداده بودی، ولی او از اسکن ام آر ای کسی که زرافه را دیده، متوجه می‌شود که زرافه دیده است. شاید در همین خبرهای معمولی هم بود؛ حال دیگر خیلی اطمینان نداشته باشید ذهنتان حوزه شخصی خودتان باشد! دیگر هر چه هم هر کجا دیدی فوری هوش مصنوعی می‌گوید این آقا این‌ها را دیده است! به نظرم در همین خبرهای معمولی بود، نه خبرهای علمی. ده روز است آن را دیده‌ام. اگر جمع منطقی زرافه + هوش مصنوعی را جست و جو کنید شاید بیابی.

علی ای حال اگر حیوانی باشد که دماغ او را به این صورت اسکن کنید و ببینید او الآن دارد هلال را می‌بیند...؛ یعنی خدای متعال او را طوری آفریده که سلول‌های شبکیه چشم او طوری است که الآن دارد هلال را می‌بیند، وقتی تصویر می‌آید شما می‌بینید الآن او مثل ما دارد هلال می‌بیند؛ در این فرقی ندارد. ولو الآن ما ضعیف هستیم، ولی او دارد مثل ما می‌بیند.

8:59

شاگرد: قوس نون درجه می‌بینند.

استاد: بله، وقتی تصویری را می‌بینیم تفاوت نمی‌دهیم. شبیه همین صدای زلزله‌ای که او می‌شنود ولی ما نمی شنویم. خُب اگر ما بشنویم می‌بینیم او درست می‌شنود. صدایی دارد می‌آید ولی ما نشنیده ایم و او می‌شنود.

اگر فرض بگیریم اهلال هلال فی علم الله تعالی است، مثل زوال می‌شود. زوال به چه صورت بود؟ فی علم الله تعالی یک لحظه‌ای بود. ما مدام ابزار را دقیق می‌کردیم تا آن را کشف کنیم. حالا اگر ابزار را دقیق کردیم و خودمان را به آن نزدیک کردیم، همانطوری که خودمان را به نقطه پی نزدیک می‌کردیم، اگر خودمان را به آن نقطه نزدیک کنیم، اگر فرض گرفتیم شارع اعمال فقهی اضافه‌ای بر موضوع نکرده و خدای متعال فرموده آن لحظه برای من به‌عنوان لحظه تکوینی موضوع حکم وجوب صوم است و شروع ماه مبارک است، اگر به این صورت گفتیم خُب ابزار دقیق‌تر شده است. کما اینکه به گمانم حاج آقا که فتوا داده‌اند تلسکوپ مجزی است، تقریباً می‌توانم بگویم، شاید نزدیک صد در صد، نظر شریف‌شان به همین بوده. یعنی اهلال هلال که موضوع است را با ابزار دقیقی که پیدا کردیم کشف کردیم. نظر ایشان به همین بود. موضوع را به این صورت می‌گرفتند.

شاگرد: اگر ماه رمضان هر منطقه با منطقه دیگر فرق داشته باشد، اگر بیست و چهار ساعت طول می‌کشد که برسد، خُب در هر چهار دقیقه ماه یک درجه آن طرف تر ماه رمضان می‌شود، آن ملاک اتحاد در شب و افق دیگر لازم نیست، بلکه باید درجه‌ای و دقیقه‌ای حساب کنیم.

استاد: بله، تقریباً در «اسألة» همین‌ها را گفتند. گفتند دو شهر نزدیک هم هستند، نمی‌توانید بگویید چون آن جا دیدند، برای دیگری هم ثابت است، بلکه باید به خبره مراجعه کنید تا بگویند آن جا که دیدید در این شهر هم می‌شد ببینید. تا این اندازه. حتی در اشکال‌شان که مرسله شده بود، گفتند لازمه‌اش این است که در کره زمین سه روز شود. گفتند معلوم نیست ولی اگر هم بشود اشکالی ندارد. این جواب ایشان بود.

---

[1] البقره ۱۸۵

بازبینی #1
ایجاد شده 28 آوریل 2026 13:40:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 آوریل 2026 13:44:00 توسط ... .